



لجاجت

سری تعالیم جدید با موضوع های :
لجاجت ، رقابت ، حسادت ، صداقت ، رفاقت

درود به شما مربیان عزیز جوانان قوت و مسح خداوند بر تک تک شما عزیزان باشد ، هدف ما برای شما برگزارکننده های جلسات جوانان عزیز این

است که این فرمول اجرایی قدم به قدم جلسات جوانان به شما کمک کند تا جلساتی را با صمیمیت بیشتر و برکات بیشتر تجربه کنید. پس خواست ما از

شما مربیان عزیز این است که جلسات جوانان خود را در زمان های مشخص شده و قدم به قدمی که در اینجا برای شما نوشته شده است انجام دهید

و نکاتی را حذف نکنید تا جلسات پر ثمرتری را به فیض خداوند با جوانان عزیز داشته باشید.

خوش آمد گویی : ۵ دقیقه

با روی باز و با لبخندی دلگرم کننده سلام و احوال پرسی با جوانان ، اگر جلسه ی اول است معرفی تک تک جوانان و خودتان ، اگر جوان جدیدی به تیم اضافه شده معرفی فرد جدید به جمع و خوش آمد گویی صمیمانه به جوان جدیدی که اضافه شده.

زمان دعا برای شروع جلسه : ۳ دقیقه

اگر شخصی داوطلب است خیلی کوتاه برای شروع جلسه دعا کند و اگر کسی داوطلب نشد خودتان یک دعای کوتاه و پرقوت داشته باشید و بعد جوانان را برای جلسات بعدی تشویق کنید که در تایم دعا هر جلسه شخصی داوطلبانه دعا کند.

برای صمیمیت بیشتر و مشارکت جوانان سوالاتی از این قبیل بپرسید : (۱۰ دقیقه)

لازم نیست تمامی این سوالات پرسیده شود به دلخواه خود یک یا دو سوال بر اساس تایم مورد نظر بپرسید تا زمان زیادی گرفته نشود . و یک به یک از جوانان پاسخ را بدهند.

* هفته ی پیش را چطور گذراندید؟

* آیا شهادتی دارید که بخواهید در جمع به اشتراک بگذارید ؟

* از تعلیم جلسه ی پیش برکتی یا شهادتی یا تجربه ی شخصی دارید و یا در طول هفته به آن فکر کردید ؟

* چه کسی تعلیم گذشته را به خاطر دارد داوطلبانه خیلی کوتاه بگوید ؟

* با چه انتظاری به جلسه ی امروز آمدید از جلسه ی امروز چه انتظاری دارید ؟

برگزار کننده ی عزیز لطفا این را در نظر داشته باشید برای رابطه ی صمیمی بیشتر و حس راحتی بیشتر در پاسخ دادن به سوالات و مشارکت جوانان گاهی لازم است خودمان هم در پاسخ دادن با آنها شریک شویم وقتی خودمان پاسخ سوال را میدهیم و میگوییم مثلا اگر خودم بخوام جواب این سوال را بدهم برای من اینگونه بود به آنها کمک میکنیم که چطور آنچه که در ذهنشان است را بیان کنند و همینطور پاسخ شما کمک میکند آنها شما را بیشتر بشناسند و رابطه ی صمیمانه تری با شما داشته باشند و احساس شرم و خجالت ذره ذره برداشته میشود پس گاهی لازمه ما هم خود را آسیب پذیر کنیم و گاهی اشتیاق خودمان برای برکت گرفتن از جلسه را حتی برای خودمان به آنها بازگو کنیم . و این موضوع کمک میکند احساس راحتی کنند و در صحبت کردن، همه مشارکت کنند.

زمان پرستش : (۱۰ دقیقه)

در اینجا شرایط را محیا و آماده کنید برای پرستیدن خدا و آنها را به پرستیدن خدا در ابتدای جلسه ی تعلیم دعوت کنید.

اگر جلسه ی اول است به عنوان نمونه و الگو خودتان رهبری پرستش را انجام دهید و از آنها بخواهید که در جلسات آینده اگر مشتاق هستند هر جلسه یک جوان رهبری پرستش را انجام دهد و بگویند از قبل به رهبر پرستش سرود پرستشی مورد نظر اعلام میشود تا چند روز برای رهبری کردن پرستش زمان دعا و فکر کردن داشته باشد.

تشویق به مشارکت جوانان در زمان های مختلف به آنها کمک میکند که هر ترس و خجالت را ذره ذره با کمک خداوند کنار بگذارند و بستر جلسات جوانان برای آنها شرایطی را محیا میکند که در کنار تعلیم گرفتن خودشان هم عامل برکت دادن به دیگران شوند و برای تقویت آنها در این مسیر عامل برکت بودن تمرینی خواهد بود.

زمان تعلیم: (۲۰ دقیقه)

عنوان تعلیم: لجاجت

در این درس ها می‌خواهیم به پنج حالت وجودی و یا شخصیتی اشاره کنیم که در رفتار ما بروز می‌کند.

این پنج حالت شخصیتی در تمام انسان ها وجود دارد اما نحوه بروز دادن آن در هر شخص متفاوت است. و در این دروس می‌خواهیم هر یک از این حالت ها را بر اساس کتاب مقدس ارزیابی کنیم. و همینطور هر یک از پنج حالت را زیر نور کتاب مقدس به دو بخش تقسیم کنیم. بخش تاریک و بخش روشن.

این حالت ها بالقوه، معنی بالقوه گفته شود، « یعنی آنچه که می‌تواند بوجود آید ولی هنوز بوجود نیامده است.» در ما است ولی بالفعل شدن این حالت ها، بالفعل یعنی: «حالتی که از بالقوه بودن یعنی از درون ما به جنبش در می‌آید و به انجام دادن تبدیل می‌شود» خیلی به طرز فکر ما بستگی دارد.

آیا می‌خواهیم این حالت ها را بر اساس کتاب مقدس بروز دهیم یا نه بلکه بر اساس نظم این دنیا و نفس خود؟

پس این حالت ها بالقوه در ما هست ولی به انجام رسیدنشان به جایگاه ما بستگی دارد که آیا از کلام و روح خدا هدایت می‌شویم یا خیر.

این حالت های شخصیتی به دو بخش تقسیم می‌شوند: بخش تاریک و بخش روشن.

این پنج حالت عبارتند از

لجاجت، رقابت، حسادت، صداقت و رفاقت

این پنج حالت شخصیتی هم بخش تاریک و هم بخش روشن را دارند.

اما در این جلسه به لجاجت می‌پردازیم.

معنی واژه لجاجت هم ستیزه‌جویی می‌شود و یا نافرمانی نسبت به یک امر صحیح. و هم پافشاری کردن برای بدست آوردن چیزی که باعث تخریب یا آسیب جامعه نیست بلکه اتفاقا این پافشاری باعث بنای شخص می‌شود.

پس همین جا این کلمه که تعریف حالت شخصیت یک انسان هست هم بخش تاریک و منفی دارد و هم بخش روشن و مثبت و بروز دادن این حالت، به انجام رسیدن این حالت خیلی به طرز فکر ما و آگاهی ما از کلام بستگی دارد.

ارمیا ۱۱: ۶- ۸

سپس خداوند مرا گفت: «تمام این سخنان را در شهرهای یهودا و کوچه‌های اورشلیم ندا کرده، بگو، به مفاد این عهد گوش فرا دهید و آنها را به جا آورید. [۷] زیرا از آن هنگام که پدرانتان را از سرزمین مصر برآوردم تا امروز، بدیشان به چِدّ و با تأکید بسیار هشدار دادم که، "از من اطاعت کنید." [۸] اما نشنیدند و اعتنا نکردند، بلکه هر یک از سرکشی دل شیر خود پیروی کردند. به همین جهت تمامی مفاد این عهد را بر سر ایشان آوردم، عهدی که امر فرموده بودم بدان وفا کنند، اما نکردند

این آیات خیلی به ما کمک می‌کند که معنی لجاجت را از دیدگاه کتاب مقدس درک کنیم. به طور واضح کلمه سرکشی دل بیان شده در این آیات. خداوند شریعتی نیکو داده، عهدی نیکو بخشیده که به نفع انسان هست ولی در اینجا می‌بینیم که به طور قصد انسان نمی‌خواهد از این مسیر پیروی کند و به طور عمد مسیر خود را عوض می‌کند. این همان بخش تاریک لجاجت هست.

و نکته مهم دیگری که در این آیه مشهود است اینکه دل به خودی خود بیمار و سرکش است و خداوند می‌فرماید «هر یک از سرکشی دل شیر خود.

پس در اینجا قوم اسرائیل بر نفس شیر و دل شیر خود پافشاری کردند

و همچنین در جای دیگر از کلام می‌خوانیم

در نحما ۹: ۲۹

و بدیشان هشدار دادی تا ایشان را به شریعت خویش بازگردانی، اما ایشان متکبرانه رفتار کرده، به فرمانهای تو گوش فرا ندادند و بر احکام تو که هر که آنها را به جای آرد از آنها زنده می‌ماند، خطا ورزیدند، و خیره‌سری کرده، گردنهای خویش را سخت ساختند و اطاعت نکردند.

باز در این قسمت خیلی واضح می‌توانیم لجاجت را مشاهده کنیم. خداوند می‌فرماید احکامی را به آنها داده‌ام که انجام دهند زنده می‌مانند ولی اتفاقا به طور عمد خیره‌سری و لجاجت کردند و کار دیگری انجام دادند.

(در اینجا شخص تعلیم دهنده برای اینکه ارتباط نزدیکی با جوانان تجربه کند و همینطور جوانان تعلیم را بهتر درک کنند لازم است که از تجربه شخصی خود با ایشان در میان بگذارد پس لازم است که خاطره یا شهادتی در باب لجاجت را با جوانان در میان بگذارد.)
اما بخش روشن این حالت شخصیتی به حالتی اشاره می‌کند که شخص آسیبی به جامعه و به خود و همینطور به اطراف وارد نمی‌کند و می‌تواند با این لجاجت و سماجت برکت را دریافت کند.

در انجیل لوقا ما شاهد یک تعلیم بسیار زیبا از عیسی هستیم

لوقا ۱۱: ۵-۱۰

[۵] سپس به ایشان گفت: «کیست از شما که دوستی داشته باشد، و نیمه شب نزد وی برود و بگوید: «ای دوست، سه عدد نان به من قرض بده، [۶] زیرا یکی از دوستانم از سفر رسیده، و چیزی ندارم تا پیش او بگذارم، [۷] و او از درون خانه جواب دهد: «زحمتم مده. در قفل است، و فرزندانم با من در بسترنند. نمی‌توانم از جای برخیزم و چیزی به تو بدهم.» [۸] به شما می‌گویم، هرچند به خاطر دوستی برنخیزد و به او نان ندهد، به خاطر آبرو بر خواهد خاست و هرآنچه نیاز دارد به او خواهد داد. [۹] «پس به شما می‌گویم، بخواهید که به شما داده خواهد شد؛ بگوئید که بخواهید که در به رویتان گشوده خواهد شد. [۱۰] زیرا هر که بخواهد، به دست آورد؛ و هر که بگوید، یابد؛ و هر که بگوید، در به رویش گشوده شود.»

در اینجا هم شما می‌بینید که عیسی مسیح به آن مردی که به در خانه شخص دیگر می‌رود و پافشاری می‌کند که چیزی بدست آورد اشاره می‌کند. و سپس این پافشاری را به سوی خدا اطلاق می‌کند که یکی از زیباترین تعالیم را به انسان می‌دهد که بخواهید، بگوئید، بگوئید. در این سه فرمان که عیسی فرمود بسیار مشهود است که عیسی به یک پافشاری و لجاجت از نوع روشن و مثبت اشاره می‌کند.

عیسی واضحا به این امر اشاره می‌کند که باید مدام در را کوبید حتی اگر صدای نشنیدید باز هم بگوئید. نوعی لجاجت و پافشاری که در بخش روشنائی و برکت وجود دارد.

و همینطور در کشتی معروف یعقوب با فرشته خدا در پیدایش این پافشاری و لجاجت را مشاهده می‌کنید

پیدایش ۳۲: ۲۲-۳۲

همان شب یعقوب برخاست و دو همسر و دو کنیز و یازده پسرش را برگرفت و از معبر رود یتوق گذشت. [۲۳] او آنان را برگرفت و با هرآنچه داشت از بستر رود

عبور داد. [۲۴] و یعقوب تنها ماند و مردی تا سپیده دم با او کشتی می‌گرفت. [۲۵] چون آن مرد دید که بر یعقوب چیره نمی‌شود، بیخ ران یعقوب را گرفت، چنانکه

بیخ ران او به هنگام کشتی با آن مرد از جای در رفت. [۲۶] آنگاه آن مرد گفت: «بگذار بروم زیرا سپیده بردمیده است.» اما یعقوب پاسخ داد: «تا مرا برکت ندهی

نمی‌گذارم بروی.» [۲۷] مرد از او پرسید: «نام تو چیست؟» پاسخ داد: «یعقوب.» [۲۸] آنگاه آن مرد گفت: «از این پس نام تو نه یعقوب بلکه اسرائیل خواهد بود، زیرا

با خدا و انسان مجاهده کردی و چیره شدی.» [۲۹] آنگاه یعقوب گفت: «تمنا اینکه نامت را به من بگویی.» ولی آن مرد پاسخ داد: «چرا نام مرا می‌پرسی؟» و در

آنجا او را برکت داد. [۳۰] پس یعقوب آنجا را فنیئیل نامید و گفت: «زیرا خدا را رو به رو دیدم و با این همه جانم رهایی یافت.» [۳۱] و چون از فنیئیل می‌گذشت

آفتاب بر او طلوع کرد و او بر ران خود می‌لنگید. [۳۲] از این رو، تا به امروز بنی اسرائیل زردپی را که به بیخ ران وصل است نمی‌خورند، زیرا که او بیخ ران یعقوب را

نزدیک همین زردپی گرفت

در اینجا می‌بینیم که یعقوب در این لجاجت و پافشاری و کشتی فیزیکی که با خدا داشت چطور از خداوند برکت را دریافت می‌کند. با اینکه خداوند به او می‌گوید

بگذار بروم اما یعقوب لج می‌کند به نوعی نافرمانی می‌کند اما مشاهده می‌کنیم که نتیجه این نافرمانی و لجاجت دریافت برکت بود. و در کتاب مقدس بارها به

این پافشاری اشاره شده.

در اینجا تعلیم دهنده می‌تواند قسمتی از زندگی خود را که با لجاجت و پافشاری برکتی را دریافت کرده با جوانان در میان بگذارد...

نکته:

اما این پافشاری بستگی به جایگاه و الهیات و نوع شناخت ما از خدا دارد که باعث می‌شود برکت یا لعنت جاری شود. وقتی طرز فکر ما در خداوند رشد کند

می‌توانیم از این خصوصیت شخصیتی که در هر یک از ما نهادینه شده بهترین استفاده را برای دریافت برکت کنیم. می‌توانیم با پافشاری و لجاجت در انجام

فرمانها و وعده هایی که به انسان داده با خدا در دعا کشتی بگیریم و برکت را دریافت کنیم. ولی در بخش تاریک هم می‌توانیم بدون تکیه به کلام و خدا و تکیه بر

نفس خود از این پافشاری و لجاجت استفاده کنیم و زندگی خود را در تاریکی فرو بریم.

پس در نتیجه واژه لجاجت نوعی بروز شخصیتی است که می‌تواند مخرب باشد همینطور می‌تواند بنا کننده باشد.

لجاجت یک نوع بروز شخصیتی است که می‌تواند انسان را سعادتمند کند همینطور هم می‌تواند نگون‌بخت کند.

پس با دعا در این راستا از خداوند بطلبیم که این خصیصه که در ما نهادینه شده تقدیس شود و از این خصوصیت برای بنای خود و دیگران زیر نور کتاب مقدس استفاده کنیم.

زمان پرسش و پاسخ: (۷ دقیقه)

* چه برکتی از این تعلیم گرفتیم ؟

* آیا تجربه ای شخصی در زندگی درمورد این تعلیم داشتیم ؟

* امروز خداوند از طریق این تعلیم به من چه گفت ؟

مربی عزیز خیلی خوب است همه مشارکت کنند اما گاهی تعالیم خداوند به ما چیز هایی را نشان میدهد که شاید بازگو کردن آنها در جمع برای ما کار دشواری باشد پس بهتر است اگر چنین اشخاصی را تشخیص دادید با کمک روح القدس در تایم های شخصی تری از آنها بخواهید با شما صحبت کنند البته اگر تمایل داشتند یا تشویق کنید بگویید اگر خداوند چیزهایی را به شما نشان داده که نمیتوانید در جمع صحبت کنید بهتر است با شخص امینی خودتان یا شبان کلیسا تایم شخصی صحبت کنید.

زمان دعای آخر: (۳ دقیقه)

بهتر است هم ابتدا و هم انتهای جلسه با دعا شروع شود و با دعا تمام شود ، آنچه که در راستای تعلیم و مشارکت ها ، خداوند هدایتتان کرد برای جوانان دعا کنید.

در انتها جوانان را تشویق کنید تا جلسات آینده در مورد تعلیم فکر و تعمق کنند. زمان استراحت و مشارکت پایان : ۲۰ دقیقه از آنها با هر چیزی که تدارک دیدی پذیرایی کنید و تایم شاد و مشارکت آزاد داشته باشید.

زمان کل جلسه : ۸۸ دقیقه یا ۱:۲۸ دقیقه